

شاخص‌های توسعه فرهنگی در اندیشه شهید مزاری



عبدالقیوم آیتی

مقدمه

سیاسی، فرهنگی و اجتماعی کشور ایجاد کرده و نیز چنین تأثیرگذاری را در افکار عمومی مردم، داشته است.

۱. آزادی بیان و عقاید

یکی از مهم‌ترین شاخص‌های توسعه فرهنگی در هر جامعه آزادی بیان و عقاید است. آزادی بیان، در اصل به‌عنوان یک حق برای افراد و گروه‌های اجتماعی یا قومی در نظر گرفته شده است تا افراد آزادانه بدون هیچ نگرانی بتوانند در زیست اجتماعی و سیاسی خویش، اندیشه و باورهای خویش را ابراز کنند. در واقع، آزادی ارزشی است که در تمامی مباحث زندگی و توسعه به‌عنوان گوهر والا و روح متعالی در جریان است و بدون وجود آن، توسعه، تعالی و پیشرفت یک جامعه ممکن نیست، غیرقابل تصور، فاقد امکان سنجش و بی‌محتوا است. (آمارتیا سن، ۱۳۹۱: ۲۷)

رهبر شهید «آزادی بیان و عقاید» را به‌عنوان یک «حق» و «هدف»، عنوان می‌داند و داشتن عقاید و باورهای حق جامعه هزاره است و هدف آن است که برای حفظ آن با تمام وجود تلاش شده است. شهید مزاری در یکی از بیاناتش این‌گونه بیان می‌دارد: «شما به خاطر علی دوستی و محبت حضرت علی زجر و ستم را با پوست جان و استخوان و مال و ناموستان تحمل کردید... اما مفتخریم که از کسی پیروی می‌کنیم که

شاخص‌ها به نمودار یا نشان‌دهنده‌ای گفته میشود و در اصطلاح عبارت است از متغیری کیفی برای نظارت و پایش یا متغیری کمی برای اندازه‌گیری و پیمایش محیطی و نیز مقایسه پدیده و تغییرات آن‌ها در شرایط مختلف بیان شده است. (گودرزی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۳۱) در این جا به برخی از شاخص‌های توسعه فرهنگی اشاره میشود که عبارت‌اند از: آزادی بیان و عقاید، عدالت اجتماعی، نفعی سیاست قومگرایانه، تنوع و گفت‌وگوی فرهنگی است. (همان: ۹۱۵) در این مقاله تلاش خواهد شد که با استفاده از شاخص‌های توسعه فرهنگی در اندیشه شهید وحدت ملی را در راستای بهبود وضعیت سیاسی و فرهنگی افغانستان با حرکت به سوی توسعه کشور مورد بررسی قرار گیرد. اهمیت و ضرورت این مطالعه به آن جهت است که شهید مزاری در مقام رهبری یک قومی و گروه خاص، محل و منطقه خاص نبود. هر چند گاهی دوستان ناآگاهانه و دشمنان آگاهانه وی را محدود به یک گروه قومی ویژه منتسب می‌کنند. بلکه او کلیت جامعه هزاره و در مجموع کل مردم افغانستان را مدنظر داشت و به آنان تعلق داشت. (دولت‌آبادی، ۱۳۷۶: ۲۲۲) از این رو، مطالعه دقیق و عمیق اندیشه شهید مزاری تأثیر بسیار زیادی در افکار نخبگان

می‌گوید: «مرگ در بستر خواب ذلت است و این افتخار برای ما بس که پیرو پسر عزیزش امام حسین هستیم.» (سخنرانی شهید مزاری)

رهبر شهید با بهره‌گیری از الگوهای مذهبی، تلاش می‌ورزد تا نیروی درونی مردم را برای آزاداندیشی و آزادزیستی تحریک کند. آزادی عقیده و بیان، برای بسیاری از مردم ما، به ویژه هزاره‌ها بیش از یک قرن همواره جرم تلقی می‌شد و مردم هزاره توان بیان عقاید مذهبی، ارزش‌های فرهنگی و اندیشه‌های سیاسی‌شان را نداشتند. شهید مزاری در یکی از بیانات‌شان چنین یادآوری می‌کند که: «ما در طی صد سال محکوم بودیم و در تاریخ افغانستان محو شده بودیم و کسی ما را با هویت هزاره‌گی قبول نداشت و هزاره گفتن و هزاره بودن در این مملکت به زعم بعضی‌ها ننگ بود، بر کسی پوشیده نیست.» (سخنرانی شهید مزاری) براین اساس است که می‌توان گفت که عناصری همچون زندگی آزاد و بدون سرسپردگی که براساس ارزش‌های عقیدتی در میان هزاره‌ها وجود دارد و همچنین افتخار به پیروی از آنان نوعی تأکید و ترویج به بیان عقیده است که می‌بایست در جامعه آزادانه مطرح گردد و نباید کسی به جرم باورهای مذهبی در جامعه مورد مواخذه قرار گیرد.

۲. نفی سیاست قوم‌گرایانه

یکی دیگر از شاخص‌های توسعه فرهنگی نفی سیاست قوم‌گرایی است که رهبر شهید مزاری با تأکید بر نادرست خواندنی این نوع سیاست در فرایند سیاسی کشور، سعی می‌کند از تبعیض قومی و محرومیت اجتماعی در جامعه جلوگیری کند. ایشان جامعه هزاره را در جریان مسائل پشت‌پرده سیاست و دلیل اصلی تنش‌های سیاسی قرار می‌دهد. «شما در جریان قضیه هستید، برادران (گروه هفتگانه) که در پیشاور نشست داشتند و گفتند که شیعه‌ها در افغانستان دو یا سه درصد جمعیت هستند. از همه رادیوها اعلام شد که شیعه دو درصدی یا سه درصدی هیچ حقی ندارد که در حکومت نقشی داشته باشد و این حرف منطقی است؟... در این جا بود که ما فکر کردیم، پس ما که تا حالا در صورت می‌زنیم که دولت در افغانستان تشکیل می‌دهیم و آن دولت وابسته نباشد، حکومت اسلامی ناب باشد؛ وقتی که ما در افغانستان

موجودیت نداریم، این حرف بی‌خودی است. باید امروز از موجودیت خود در افغانستان دفاع کنیم، ما باید به این برادران اثبات کنیم که ما در افغانستان هستیم و (همانند شما) از این خاک دفاع کردیم...» (شهید مزاری)

طرد هزاره‌ها از سوی گروه هفتگانه و دولت موقت و تأکید بر اثبات هویت قومی هزاره‌ها در افغانستان عناصری هستند که مقوله نفی سیاست قوم‌مدار را در این جا برجسته می‌کنند. رهبر شهید بازگویی واقعیت‌های سیاسی که در آن همواره جامعه هزاره نادیده انگاشته شده‌اند، تلاش می‌کند تا سیاست‌های قومی را در فرایند ایجاد شکاف اجتماعی و قومی در جامعه شده و نفی آن می‌تواند ضمن جلوگیری از تبعیض قومی عدالت اجتماعی را نیز محقق سازد. در واقع، با نفی سیاست قوم‌گرایانه می‌توان زمینه مشارکت برابر و برادری همه گروه‌های قومی را در افغانستان فراهم کرد.

۳. عدالت اجتماعی

برابری در پیشگاه قانون مبتنی بر عدالت است که در آن همه مردم، باید در برابر قانون یکسان قرار گیرند و هیچگونه برتری به سبب نژاد، قوم و مذهب در قانون لحاظ نشده باشد. عدالت اجتماعی یکی از کانونی‌ترین شاخص توسعه فرهنگی است. عدالت اجتماعی، آن است که در آن همه افراد، گروه‌های سیاسی و قومی نه با برتری، بلکه با برابری و مساوات در پیشگاه قانون قرار گیرند. شهید مزاری بر تحقق این امر، تلاش زیادی کرد و می‌خواست اجرای عدالت اجتماعی در قالب فرهنگ کشور نهادینه شود: «خواست ما تأمین عدالت، برابری و برادری میان مردم افغانستان است، ما حقوق ملیت‌های محروم را می‌خواهیم و از آن دفاع می‌کنیم. ما حقوق همه مردم افغانستان را طبق نفوس و به تناسب حضورشان در صحنه جهاد می‌خواهیم... تا توافق همه ملیت‌ها گرفته نشود، یک دولت پایدار در کشور به وجود نمی‌آید و هر ملیتی به تناسب واقعیت وجودی و حضور خود در این کشور در سرنوشت سیاسی خود سهیم باشند.» (شهید مزاری)

رهبر شهید، راه حل اساسی مشکلات کشور را در برقراری عدالت اجتماعی می‌دید. از این رو، فریادش تحقق عدالت اجتماعی بود و آن را یک اصل اساسی برای حفظ

”

**برابری در پیشگاه
قانون مبتنی بر عدالت
است که در آن همه
مردم، باید در برابر
قانون یکسان قرار
گیرند و هیچگونه
برتری به سبب نژاد،
قوم و مذهب در قانون
لحاظ نشده باشد.
عدالت اجتماعی یکی از
کانونیتترین شاخص
توسعه فرهنگی است.**

“

به مردم هشدار می‌داد که نگذارید تاریخ بر شما تکرار شود.

۴. تنوع فرهنگی

یکی دیگر از شاخص‌های توسعه فرهنگی، شاخص تنوع فرهنگی است که در اصل به احترام گذاردن به فرهنگ‌های موجود در کشور و به رسمیت شناختن آنان است که در این‌جا کمی فراتر، به معنی دوستی و برابری و حتی برادری فرهنگ‌ها مطرح است تا اقوام موجود در افغانستان با درک و شناخت همدیگر بتوانند، در کنار هم زندگی مسالمت‌آمیزی داشته باشند. درک درست شهید مزاری از تبعیض قومی در جامعه‌ی آن روز را این‌گونه بیان می‌دارد: «باید انحصار حاکمیت قومی را بشکنیم، ما باید تعصبات گوناگون نژادی را در جامعه افغانستان از بین ببریم، ما باید روحیه‌ای را در بین مردم خود به وجود آوریم که هیچ ملیتی از انتصاب خود به ملیت خود ننگ نکنند و خجالت نکنند». شهید مزاری ضمن احترام به فرهنگ‌های دیگر از فرهنگ و ارزش‌های مذهبی و قومی هزاره‌ها به شدت دفاع می‌کرد و اهانت به آن‌ها و اقوام دیگر را خیانت به وطن می‌دانست: «اگر کسی ملیت‌های ساکن در افغانستان را با هم دشمن بسازد، خیانت به افغانستان و ملیت‌های آن است، ما دشمنی در داخل افغانستان و بین ملیت‌ها را فاجعه می‌دانیم». (سخنرانی شهید مزاری)

۵. گفت‌وگوی فرهنگی

یکی دیگری از شاخص‌های توسعه فرهنگی، گفت‌وگوی فرهنگی است که در اندیشه شهید مزاری با رویکردهای وحدت بخشی مطرح شده است که از طریق تعامل

تعادل به هم خورده می‌دانست. شهید مزاری معنای عدالت اجتماعی را خوب فهمیده بود و ترسیمی که از عدالت اجتماعی داشت، بسیار روشن بود. مزاری، فاشیسم، برتری قومی و شونیسیم، انحصار و تبعیض را در قالب هر شخصی یا (مسئولی) ظاهر می‌شد، مانع و سد راه عدالت اجتماعی می‌دید؛ چه در قالب عبدالرحمان، ظاهر شاه، ملا عمر و در چهره آمرمسعود، ربانی و در هر قالب دیگر. (علیزاده مالستانی، ۱۳۷۷: ۲۴)

شهید مزاری شکل‌گیری حکومت را مبتنی بر عدالت اجتماعی می‌داند: «هدف از تشکیل یک حکومت اسلامی، مردمی، فراگیر و مبتنی بر عدالت اجتماعی در افغانستان است». (عبدالله غفاری، ۱۳۷۳: ۶۸)

در واقع شهید مزاری به دنبال این مسئله بود که در آن همه مردم و گروه‌های اجتماعی از حق تصمیم‌گیری برخوردار باشند و آزادانه، علاقه‌مندی عقیدتی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی‌شان را انتخاب کنند. چنان‌چه که قبلاً، بعضی از اقوام بنا بر سیستم تبعیض آلود حکومتی از حق تصمیم‌گیری برخوردار نبودند. (علیزاده مالستانی، ۱۳۷۷: ۲۴۲)

بنابراین، بدیهی است که هزاره‌ها هیچ‌گونه سهم و یا تصمیمی در سرنوشت سیاسی جامعه خویش نداشتند. با تجربه وضعیت ناعادلانه در کشور، بیم آن می‌رفت که افغانستان نه تنها به سوی توسعه و پیشرفت حرکت نمی‌کند؛ بلکه روزه‌روز به تحجر و انحصارگرایی به پیش می‌رفت. رهبر شهید با دید باز و با تفکر برابری و عدالت اجتماعی تلاش کرد تا مردم را نسبت به ادامه وضعیت ناعادلانه ساختار سیاسی آگاهی بخشد تا از این طریق از تکرار تاریخ بر تمام مردم افغانستان جلوگیری کند و از این‌رو، همیشه

و همواره مردم تشویق و ترغیب می‌کرد. از سوی دیگر، همواره از نظام سیاسی و فرهنگ سیاسی در افغانستان انتقاد می‌کرد که چطور افراد و گروه‌های قومی را مورد ظلم و تبعیض قرار می‌دادند. در واقع رهبر شهید نمی‌خواست که روند سیاسی گذشته باز بر مردم تحمیل شود. از این رو، خواستار پالایش و اصلاح فرهنگی بود که آزادی بیان و عقاید را حق مسلم مردم می‌دانست و قوم‌گرایی را به شدت محکوم می‌کرد و برابری و مساوات را در پیشگاه قانون عادلانه از مطالبات فرهنگی وی بوده است. تنوع فرهنگی و گفت‌وگوی فرهنگی بیانگر پذیرش گروه‌های قومی و فرهنگی در کشور از سوی رهبر شهید عبدالعلی مزاری است. پذیرش فرهنگ‌ها و گروه‌های قومی در افغانستان این ویژگی را در اندیشه شهید مزاری برجسته می‌کند که او ارتباطات فرهنگی را یک اصل برای زیست مسالمت‌آمیز گروه‌های قومی و مذهبی در کشور می‌دانست.

منابع

۱. آمار، تیسین (۱۳۹۱). توسعه یعنی آزادی، ترجمه سعید نوری نائینی، چ چهارم، تهران: انتشارات نی.
۲. دولت‌آبادی، بصیر احمد، (۱۳۷۶). «رهبر شهید استاد مزاری را چگونه می‌شناسیم؟»، قم: فصلنامه سراج، شماره ۱۱.
۳. عبدالله، غفاری، (۱۳۷۳). فریاد عدالت، قم: موسسه فرهنگی تحقیقاتی شهید سجادی.
۴. عطایی غزنوی، م. آ (۱۳۷۶). «نگرشی اجمالی بر اندیشه سیاسی رهبر شهید استاد مزاری»، قم: فصلنامه سراج، شماره ۱۱.
۵. علیزاده مالستانی، ع (۱۳۷۷). «شهید مزاری و عدالت اجتماعی»، قم: فصلنامه سراج، شماره ۱۵.
۶. گودرزی، غ و دیگران (۱۳۹۱). «اولویت‌بندی مؤلفه‌های فرهنگی - اجتماعی انتقال فناوری در جمهوری اسلامی ایران با استفاده از روش تحلیل شبکه»، تهران: فصلنامه راهبرد، شماره ۳.
۷. مجموعه سخنرانی‌های شهید مزاری، احیای هویت، (۱۳۷۵). قم: سراج.

فرهنگی بین گروه‌های مذهبی تشیع و تسنن، از سوی او در دوره مقاومت غرب کابل گرفته شد. در دوره جهاد، رویکرد رهبر شهید بیشتر درون فرهنگی بوده است که طی آن نیروها و گروه‌های سیاسی - مذهبی را، از تهدیدات اختلافات و نفاق‌های داخلی رهانده به همبستگی قومی و وحدت سیاسی رساند. همان‌طوری که مشخص است، این رویکرد با زمینه قومی و مذهبی توانست، اکثر جناح‌های سیاسی هزاره را دور هم جمع کند و حزب وحدت اسلامی مقتدر را در افغانستان ایجاد کرد. رویکرد دومی، وحدت ملی که در نظر شهید مزاری مطرح بود، در تعامل و گفت‌وگوی فرهنگی فراتر از گروه‌های هزاره مطرح گردید و با دعوت از همه گروه‌های مذهبی و قومی کشور به زیست برادرانه آغاز شد و این رویکرد در دوره مقاومت غرب کابل شروع شد، بر اساس تأمین حقوق همه اقوام و فرهنگ‌های موجود در افغانستان به گروه‌های اجتماعی پیشکش گردید تا همگان در سایه عدالت واقعی و طبق نفوس و جمعیت‌شان در ساختار سیاسی کشور سهیم و حقوق‌شان را مطالبه کنند. این درخواست از گروه‌های مختلفی قومی سیاسی مبتنی بر اصل وحدت ملی و احترام به فرهنگ‌های ساکن در کشور صورت گرفت، همان‌طوری که شهید مزاری بارها مطرح کرده بود که «وحدت ملی را ما در افغانستان یک اصل می‌دانیم، اگر دانسته و ندانسته برای مردم ما این مسئله اختلاف و دو دسته شدن را کسی مطرح بکند، این برای مردم ذلت است... ما معتقدیم، در این جا مسئله افغانستان وقتی حل می‌شود که مردم و احزاب همدیگر را تحمل بکنند و درصدد حذف یکدیگر نباشند... چه از نگاه قوم، چه از نگاه احزاب و چه از نگاه مذهب روش حزب وحدت اسلامی این است که با کسی جنگ نداریم و برای همه احزاب و ملیت‌ها احترام قائلیم...» (شهید مزاری، ۱۴۶: ۱۳۷۵)

نتیجه‌گیری

توسعه فرهنگی در اندیشه شهید مزاری، نشان می‌دهد که بر شاخص‌های آزادی بیان و عقاید، نفی سیاست قوم‌گرایانه، عدالت اجتماعی، تنوع و گفت‌وگویی فرهنگی استوار بوده است. رهبر شهید به خودباوری فرهنگی اعتقاد راسخ داشت